

از فرط بیخوابی

### تحلیل یک موقعیت ناگزیر!

● **مهرداد حجتی**: زمانی که خبر حمایت یک خواننده رب از کاندیدای اصولگرا در رسانه‌ها منتشر شد، کمتر کسی می‌توانست آن را باور کند! اما با انتشار عکس و ویدئوی آن دیدار، دیگر هیچ تردیدی باقی نماند که آن خبر حقیقت دارد. به‌راستی چرا خبر تا این حد به‌ت‌آور به نظر می‌رسید؟ برای بررسی آن باید به سال ۵۷ بازگردیم؛ به همان سال که گروهی از انقلابیون بر آن شدند تا با بخش عمده‌ای از هنرمندان فعال پیش از انقلاب به شکل قهری رفتار کنند. این گروه از انقلابیون که عمدتا از لایه‌های سنی جامعه بودند، تا وقوع انقلاب با هر نوع هنر پرخطابی - به‌استثنای خوشنویسی - قهر بودند. همین سبب بسیاری از نگرانی‌ها در میان هنرمندان شده بود که آیا در صورت برسرکارآمدن چنین گروهی هنر تعطیل خواهد شد؟ پس آینده آنها چه خواهد شد؟ آیا آنها می‌توانند به فعالیتشان ادامه دهند؟ این نگرانی ادامه داشت تا آن روز تاریخی که رهبر انقلاب، در بدو ورود در بهشت زهرا تکلیف سینما را یکسره کرد. او گفت: «ما با سینما مخالف نیستیم. با فساد مخالفیم». رهبر انقلاب تکلیف سینما را روشن کرده بود. حالا سینماگران با خیال آسوده می‌توانستند به کار خود ادامه دهند، فقط به این شرط که مراقب مفسده باشند، اما در آن زمان تعبیری که از این سخنان شد این بود که امام خمینی با هنر مخالف نیست با صورتی از هنر مخالف است که مفسده‌انگیز است. در آن میان اما موسیقی‌دانان و خوانندگان هنوز تکلیفشان روشن نبود. انقلابیون فقط گونه‌ای از موسیقی را می‌پسندیدند که بیشتر به مارش نظامی شبیه بود. هرچند «سرودهای انقلابی» هم مورد توجه بود؛ البته بیشتر از آن‌و که مخاطبان گسترده داشت. گونه‌های دیگر موسیقی به محاق رفته بود و چندان مجال بروز نداشت. همان گروه از انقلابیون به گونه‌های دیگر موسیقی، به‌مثابه «مطرب» نگاه می‌کردند و آن را برای جامعه مضر می‌دانستند. گروه پرشمارای از خانواده موسیقی به‌ناچار خانه‌شده شدند و دست از کار کشیدند.

پس از پیروزی در ۲۲ بهمن، انقلابیون رادیو و تلویزیون ملی ایران - نام سازمان تا آن زمان - را در دست گرفتند. آنچه در آرشپو مانده بود همه از تولیدات پیش از انقلاب بود. به‌ناچار انقلابیون دست‌به‌کار شدند تا آتن را با تولیدات تازه رب کنند. گونه‌ای تازه از موسیقی متولد شد؛ موسیقی نوظهوری که نه پای بود و نه سنتی. الگویش هم شد سرودی که امام خمینی تأیید کرده بود. سرود «شهید مطهر» از ساخته‌های احمدعلی رافتی با صدای خواننده‌ای نوظهور به نام «گلریز»! او برادر یکی از معروف‌ترین خوانندگان موسیقی سنتی ایران نبود که پس از انقلاب - به دلیل حضور پررنگش در تلویزیون پیش از انقلاب - غیرمجاز اعلام شده بود. گلریز برادر کوچک اکبر گلپایگانی معروف به «کلیه» بود! حالا کمک‌م می‌شد گفت که تکلیف موسیقی هم مثل سینما روشن شده بود، چراکه رهبر پرنفوذ انقلاب در دو اظهارنظر، دو اثر از او در هنر پرنفوذ برگزیده بود؛ فیلم «کوه ساخته داریوش مهرجویی بر اساس کتاب «عزاداران بیل» نوشته غلامحسین ساعدی برای سینما و سرود «شهید مطهر» ساخته احمدعلی رافتی بر اساس شعری از حمید سبزواری و خوانندگی «گلریز» برای موسیقی!

اما همان‌طور که سینما از نوگرایی بازماند، موسیقی هم از نوگرایی بازماند. هرچند سینما دست‌بازتری برای تحول داشت. سال‌ها گذشت و موسیقی زیربنایی بی‌توجه به موسیقی رسمی صدواسوسیمیا به کار خود ادامه داد تا «دوم خرداد ۷۶». در دوم خرداد ۷۶ بیک‌باره در همه حوزه‌ها ولوله‌ای پدید آمد. همه چیز دست‌خوش تغییر شد از جمله موسیقی. حالا بسیاری که تا پیش از دوم خرداد مجال بروز و ظهور نیافته بودند، این امکان را یافته بودندکه استعداد خود را به‌صحنه بیاورند. گونه‌های مختلف موسیقی مجال طرح‌شدن یافتند، اما در همان سال‌های استقرار دولت اصلاحات- پس از دوم خرداد ۷۶ - همان گروه انقلابیون سنت‌گرا که سال‌ها با موسیقی کنار نیامده بودند، از آزادی پدیدآمده برآشفتند و فریاد مخالفت برآوردند. در نهایت رئیس‌جمهور را وادار به تغییر وزیر ارشاد کردند! این گروه کم‌شمار اما پرفشار، هیچ‌گاه در طول این ۳۸ سال نتوانسته با موسیقی کنار بیاید. آنها همواره نگران مفسده‌های هزتنه که ممکن است از درون این هنر بیرون بیاید! ازهمین‌رو از موسیقی تابویی ساخته‌اند که عبور از آن را برای هر مسئولی پرهزینه می‌کند، اما غافل از روزی که خودشان به آن نیاز پیدا خواهند کرد! تابویی که در طول سال‌ها با دست‌های خود ساخته بودند را باید پیش چشمنا هزاران هوادار می‌شکستند؛ بی‌توجهی به این وجه ماجرا که در عکس یادگاری یک روحانی کاندیدای اصولگرا با خواننده جنجالی رب - نه از سر جبران رفتار گذشته‌که بیشتر برای چنگ‌زدن به یک موقعیت تازه بوده است؛ اتفاقی که قرار نیست در رفتار همان انقلابیون سنت‌گرا با موسیقی تغییر پدید آرد. اهل موسیقی، این‌بار نکته را به طرافت دریافته‌اند که عکس یادگاری یک روحانی بلندپایه با یک خواننده جنجالی رب به معنای آشتی هم‌فکران ایشان با موسیقی نیست آنها همچنین دریافته‌اند، آن عکس و آن دیدار قرار بوده فقط یک کارکرد داشته باشد؛ کارکردی انتخابی برای جذب رأی بیشتر! آیا این خواسته محقق شد؟!

فرانک آرتا: فیلم «خانه پدری» به کارگردانی کیانوش عیاری به‌زودی اکران می‌شود. ظاهرا نسیم بهاری سینمای ایران وزین گردفته و لیخند سازمان سینمایی به مشارکت سینماگران در برگزاری انتخابات فراکرپ به این صورت تجلی پیدا کرد که با دستور مستقیم وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و معاونش، محمد مهدی حدیدیان، قرار است فیلم‌های توقیف‌شده را مجددا بررسی و با نگاهی منصفانه و پرهیز از اعمال سلیقه، تکلیف فیلم‌های مورد بحث را مشخص کنند. بنابر اخبار واصله از منبعی آگاه، فیلم «خانه پدری» نخستین فیلمی است که در این کمیته مورد بررسی قرار گرفت و خوشبختانه سد توقیف را شکست تا با نمایش عمومی، مخاطبانش را شکفت‌زده کند. البته کلید این حرکت قبل از انتخابات زده شده بود. به طوری که محمدمهدی حدیدیان، رئیس سازمان سینمایی، نوید امکان بازبینی مجدد تعدادی از فیلم‌های بدون پروانه نمایش و مشکل‌دار را داده و گفته بود: «برای حل این مشکل کمیته ویژه‌ای جهت این امر تشکیل خواهد شد». حبیب ایل‌بیگی، معاون نظارت و ارزشیابی سازمان سینمایی، در گفت‌وگویی با «شرق» درباره جزئیات این حرکت عنوان کرد: «این

کمیته ویژه مدتی است فعالیت خود را آغاز کرده و قرار است در آن همه فیلم‌هایی که به مشکل برخوردند، مورد بررسی قرار گیرند». این مدیر سینمایی در برابر این پرسش که این کمیته همان شورای بالادستی

# «خانه پدری» رفع توقیف شد



«پروانه نمایش» است، پاسخ داد: «خیر. این کمیته با شورای عالی نظارت فرق دارد. این کمیته ویژه مستقیم مسئولیت فیلم‌های به‌مسئله‌خورده را به عهده دارد». همچنین ایل‌بیگی درباره اعضای تشکیل‌دهنده این

### گزارش روز ششم جشنواره فیلم کن

## زنده‌باد سینمای ایران



**لادن موسوی، خبرنگار اعزامی «شرق»**: دیروز سه‌شنبه، ۲۲ می دوم خرداد) کن حال‌وهوای خاصی برای ما ایرانیان داشت و پر از خاطره بود. از یک‌سو آخرین اثر استاد عباس کیارستمی در کن و به‌عنوان «ویویداد هفتمین سال کن» نمایش داده

شد و در ساعت شش به وقت فرانسه هم مراسم بزرگداشتی برای این هنرمند و علی معلم که یکی از بزرگان در روزنامه‌نگاری ایران و مدیرمسئول مجله دنیای تصویر بود، با حضور ایرانیان در کن برگزار شد. فیلم «۲۴ فریم» اساتذ کیارستمی دوبار یکبار در سالن اصلی (لویی لومین) و دیگری در سالن شصتمین به نمایش درآمد تا کن بار دیگر یادآور این بزرگمرد سینمای ایران و جهان باشد. قبل از شروع فیلم، تیری فرمو، مدیر جشنواره کن، روی سن آمد تا چند جمله‌ای درباره کیارستمی و سینمایش صحبت کند. او حرف‌هایش را با نقلی به فرآیناب حملات تروریستی منجسرت انگلیس آغاز کرد و گفت که

خود چندی قبل در سالن کنسرتی همین تجربه تلخ را داشته است. او همچنین گفت که در ساعت سه بعدازظهر برای ادای احترام به قربانیان این حادثه دقیقه‌ای سکوت در همه سال‌های جشنواره منظور شده است. اما بعد درباره عباس کیارستمی سخن گفت؛ اینکه جایش چقدر در کن و کلا در سینمای جهان خالی است؛ هنرمندی که دقیقه‌های آرام نمی‌نستت و همیشه در حال خلق آثار مختلف بود؛ عکاسی، فیلمسازی، نوشتن و … او همچنین گفت که این فیلم حاصل تلفیق نگاه این هنرمند از نقاشی و عکاسی و فیلم‌سازی است؛ فیلمی که کیارستمی خواسته با آن نوعی جدید از سینما را تجربه کند. او همچنین از حاضران خواست تا احمد کیارستمی را که در سالن و برای تماشای فیلم پدرش حضور داشت تشویق کنند. او همچنین اضافه کرد از اینکه امروز سالن مملو از ایرانیان است خوشحال است و در آخر سخنرانی‌اش را با این جمله به پایان برد: زنده‌ها کیارستمی ایران. کیارستمی در مورد این فیلمش نوشته: «من همیشه از خودم می‌پرسم در چه حد و اندازه‌ای هنرمندان به دنبال این هستند تا واقعیت یک صحنه را نمایش دهند. نقاشان و عکاسان فقط یک لحظه را ثبت می‌کنند و نه هرآنچه قبل و بعد از آن وجود دارد. بنابراین برای ۲۴ فریم من تصمیم گرفتم تا از یکس‌هایی که در چندسال اخیر گرفته‌ام استفاده کنم و هرآنچه را که فکر می‌کردم قبل و بعد از آن صحنه وجود داشته به آن اضافه کردم.»

فیلم ۲۴ فریم کیارستمی فیلمی خاص و جدا از فیلم‌های کن و شاید جدا از هر فیلمی است که از

### هنر

کمیته توضیح داد: «در صورتی که جناب حدیدیان اجازه دهند اسامی را اعلام می‌کنیم، ولی باید بگوییم که در این کمیته افراد متخصص و دلسوز حضور دارند. فکر می‌کنم در آینده‌ای نزدیک بتوانیم درباره فیلم‌هایی که از سوی این کمیته بازبینی شده و گفت‌وگوهایی که حتما با خود دست‌اندرکاران فیلم‌ها خواهد شد، گزارش کاملی بدهیم و جزئیات را اعلام کنیم.»

فیلم «خانه پدری» را کیانوش عیاری در سال ۱۳۸۹ ساخت است. در ابتدا تهیه‌کنندگی این فیلم را «ناجی فیلم» وابسته به پلیس ایران برعهده داشت که در ادامه به دلیل انتقادات پیرامون سکانس خشونت در فیلم از این کار کناره کشید. بعد از آن عیاری همه حقوق فیلم را خریداری کرد و به عنوان تهیه‌کننده فیلم معرفی شد. فیلم «خانه پدری» پس از سه سال توقیف در سی‌و‌دومین جشنواره فجر اکران شد و بیشتر منتقدان فیلم را ستودند و آن را یکی از بهترین فیلم‌های سینمای ایران در دهه ۹۰ شمسی معرفی کردند. این فیلم در روزهای چهارم و پنجم دی ۱۳۹۳ در گروه «هنر و تجربه» در پردیس سینمایی کوروش به نمایش درآمد. اما بنا به دلایلی پس از آن اکران، فیلم متوقف شد.

واکنش‌ها به قاچاق فیلم «گشت ۲» ادامه دارد

## حکمت: قاچاق نشدن فیلم‌های دولتی جای سؤال دارد

**بهناز شیربانی**: فیلم «گشت ۲» که هنوز در اکران سینماهاست، از بازار قاچاق سر درآورده؛ اتفاقی نه‌چندان تازه که بیان ادعاهایی درباره سرمنشأ این قاچاق، حواشی‌ای را به وجود آورده است. ساعد سهیلی، بازیگر فیلم، مدعی شده نسخه‌ای که در بازار

صدای اطراف شنیده می‌شود. قاب‌بندی فریم‌ها گاه

مانند تابلو نقاشی‌ای زنده است و گاه مانند عکسی زنده. در هر دو حالت اما قاب‌ها زیبایی نفس‌بری دارند. سکون این فریم‌ها انگار به تماشاگر وقت و مکان می‌دهد تا از تصور خود استفاده کند و قبل و بعد از آن قاب را متصور شود. این فریم‌ها گاه رنگی

و گاه سیاه‌وسفیدند و المان‌هایی چون پنجره، دریا، حیوانات و مخصوصا پرندگان در آنها بسیار استفاده شده‌اند. تا فریم ۱۵ اثری از انسان‌ها نیست و اگر نشانه‌ای از آنها وجود دارد برای برهم‌زدن آرامش است.

این فیلم که بی‌شباهت به هر فیلم دیگری است، بار دیگر و برای آخرین‌بار نشان داد که کیارستمی، چه سینمایش را دوست داشته باشیم و چه نه، هنرمندی با ایده‌هایی بی‌مانند است که هیچ‌گاه از تجربه‌کردن نترسید. بی‌پروا بود و همواره تلاش کرد تا سینمایش را نو کند و جوری درخشان ببیند. مطمئنم همان‌طور که تیری فرمو گفت، عباس کیارستمی دیروز در سالن حضور داشت و در کنار ما فیلمش را دید. امیدوارم که روحش هم اندازه ما از دیدن اثرش شاد و راضی باشد. در ساعت شش اما همان‌طور که گفتم، ایرانی‌های حاضر در کن همگی زچتر بازار دور هم جمع شدند تا یاد و خاطره این استاد بزرگ و علی معلم را که بیش از ۲۰ سال یکی از ستون‌های اصلی روزنامه‌نگاری ایران در کن بود زنده کنند. بهمن فرمان‌آرا، کمال تبریزی، سیدغلامرضا موسوی، فاطمه معتقدآرا، مهدی کرپور، محمدمهدی عسگرپور و… در کنار دیگر عوامل سینمای ایران، پخش‌کنندگان و خیرنکاران حاضر بودند و هرکدام کتاب‌ خاطره‌ای از این دو می‌گفتند. حرف همگی این بود که باید یاد و خاطره این عزیزان را زنده نگه داشت و اما به یاد زندگان و بزرگانی که همچنان در سینمای ایران هستند و ستون‌های این سینما محسوب می‌شوند بود تا بعد از نبودشان دچار حسرت نشویم. این مراسم ساده و صمیمی بعد از تشکر امید معلم، پسر علی معلم که امسال به‌جای پدرش به کن آمده تا راهش را ادامه دهد و چراغ مجله دنیای تصویر را با کمک مادر و برادرش روشن نگاه دارد و ذکر فاتحه‌ای برای این دو مرحوم به پایان رسید.



علی قائم‌مقامی، سخنگو و عضو هیئت‌مدیره خانه سینما، هم با اشاره به تکثیر غیرقانونی فیلم «گشت ۲» به کارگردانی سعید سهیلی به «مهر» گفت: تکثیر غیرقانونی فیلم سینمایی «گشت ۲» به کارگردانی سعید سهیلی بار دیگر سینمای ایران را دچار

التهاب کرده است و خانه سینما با آگاهی از ناراحتی همکاران، سعید سهیلی، به همه سینماگران کشور اعلام می‌کند که پیکر این مسئله از طریق مراجع قانونی و انتظامی هستیم. او تأکید کرد: خانه سینما تمام تلاش خود را برای پیکری این اتفاق به کار می‌گیرد تا دیگر شاهد چنین اتفاق‌هایی در سینمای ایران نباشیم. در همین راستا حبیب اسماعیلی و مهرداد فرید با نگرارش یادداشت‌های جداگانه به انتشار نسخه غیرمجاز و قاچاق فیلم گشت ۲ اعتراض کردند.

منیژه حکمت، از تهیه‌کنندگان سینمای ایران، در گفت‌وگو با «شرق» درباره شرایط قاچاق محصولات فرهنگی خصوصا قاچاق فیلم‌های سینمای ایران گفت: «وقتی مسئولان ما، چه در جایگاه قضائی و چه فرهنگی، دغدغه سرمایه بخش خصوصی را نداشته باشند از این دست اتفاقات رخ می‌دهد. در مقاطع مختلف شاهد چنین اتفاقاتی در سینمای ایران بودیم و سرمایه بخش خصوصی نابود شده و برخورد با قاچاق محصولات فرهنگی سهل‌انگارانه بوده است.»

او در بخش دیگری از صحبت‌هایش اضافه کرد: «این در حالی است که معمولا شاهد قاچاق فیلم‌های دولتی نستیم و این موضوع علامت سؤال را بزرگ‌تر می‌کند. در مورد قاچاق فیلم‌ها مسئولان باید پاسخ‌گو باشند که به چه دلیل وقتی فیلمی از مهم‌ترین ارگان فرهنگی مجوزهای لازم را دریافت می‌کند فیلم باید دست‌به‌دست در ارگان‌های دیگر بچرخد و مجوزهایی را دریافت کند؟» حکمت ادامه داد: «امیدوارم در دولت آقای روحانی این موضوع سروسامان پیدا کند و به راهکاری جدیدتر فکر و قانونی مصوب کنند که در پی این قانون دست‌کم دلهره قاچاق فیلم‌هایمان در مرحله اکران و بعد از آن را نداشته باشیم. قاچاق محصولات فرهنگی اتفاق دردناکی است که قوه قضائیه و وزیر ارشاد باید بیش از پیش برای ریشه‌کن‌کردن آن تلاش کنند و نیاز است خسارتی که به صاحبان آثار در پی قاچاق فیلم‌ها وارد می‌شود جبران شود. قرار نیست هرچند وقت یک‌بار ضرر این چنینی ببینیم و هیچ‌کس هم به فکر نباشد.»

حکمت ادامه داد: «امیدوارم در دولت آقای روحانی این موضوع سروسامان پیدا کند و به راهکاری جدیدتر فکر و قانونی مصوب کنند که در پی این قانون دست‌کم دلهره قاچاق فیلم‌هایمان در مرحله اکران و بعد از آن را نداشته باشیم. قاچاق محصولات فرهنگی اتفاق دردناکی است که قوه قضائیه و وزیر ارشاد باید بیش از پیش برای ریشه‌کن‌کردن آن تلاش کنند و نیاز است خسارتی که به صاحبان آثار در پی قاچاق فیلم‌ها وارد می‌شود جبران شود. قرار نیست هرچند وقت یک‌بار ضرر این چنینی ببینیم و هیچ‌کس هم به فکر نباشد.»

<b>نام نمایش</b>	<b>تاری</b>	<b>ساعت</b>
<b>بندار بیدخش</b>	ارغنون	۱۷
<b>چل‌گیس</b>	چهارسو	۲۱
<b>روح جهنمی</b>	سلیه	۱۸
<b>بی‌پدر</b>	قشقلبی	۲۰
<b>سراسرپز پیشینه‌های‌می‌کند</b>	سنکاج	۱۹:۳۰
<b>مطرب</b>	سمندریان	۱۹:۳۰
<b>دیگری</b>	سمندریان	۲۱:۴۵
<b>مروارید</b>	ناظرز ادمگرمانی	۱۹:۳۰
<b>نمایشده‌ملت</b>	ناظرز ادمگرمانی	۲۱:۳۰
<b>کافه‌هر</b>	پلینخت	۱۹
<b>در میان ابرها</b>	مستقل	۱۹:۳۰
<b>شنیدن</b>	مستقل	۲۱
<b>هدیه‌مرویز</b>	پردیس‌تهران	۱۸:۳۰
<b>رقه‌بچرخه، بر می‌گرده</b>	پردیس‌تئاتر	۲۰
<b>رقص روی لیوانها</b>	انتقلمی	۱۸:۳۰
<b>گالری</b>		
<b>نام‌نگارخانه</b>	<b>عنوان‌نمایشگاه</b>	
<b>مسن</b>	پوست، گوشت، استخوان	
<b>بهنام‌دهش‌پور</b>	نمایشگاه‌گروهی‌نقاشی	
<b>مژده</b>	پیشگامان‌عصر‌نو	
<b>برج آزادی</b>	حماسه‌فرخنده‌شهر	
<b>خانه‌هنرمندان</b>	اسما‌الحسنی	

شهر کتاب، شب‌های رمضان بیدار است

زیر آسمان فیروزهای

### امیر جلال‌الدین اعلم

### مترجم و پژوهشگر، از دنیارفت

● به گزارش ایسنا، امیر جلال‌الدین اعلم، پژوهشگر و مترجم، سه‌شنبه، دوم خرداد در ۷۶ سالگی بر اثر بیماری در منزل خود درگذشت. خبر درگذشت وی به تأیید روابط‌عمومی انتشارات «علمی فرهنگی» و یاسین نمکچیان (شاعر و روزنامه‌نگار) رسیده است. امیرجلال‌الدین اعلم (زاده ۱۳۲۰ هـ. ش. تهران) تحصیلات ابتدایی‌اش را در دبستان مسعود سعد (واقع در خیابان ظهیرالاسلام، میان خیابان‌های شاه‌آباد و هدیات) و تحصیلات متوسطه‌اش را در دبیرستان ادیب (در کوچه اتابک، شاهچراغی امروز، واقع در میان خیابان فردوسی پایین و لاله‌زار) گذراند. او سپس وارد دانشگاه شد و در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، در رشته ادبیات و زبان انگلیسی تحصیل کرد و مدرک لیسانس خود را از این دانشگاه گرفت. در سال ۱۳۴۸ وارد مؤسسه انتشاراتی فرانکلین شد و با سمت ویراستار در این انتشارات مشغول به کار شد و هفت سال بعد یعنی در سال ۱۳۵۵ با همین عنوان به استخدام «شروش» که در واقع بخش انتشارات سازمان رادیو و تلویزیون ایران آن زمان بود، درآمد و تا سال ۱۳۷۵ در مقام ویراستار ارشد و مشاور فرهنگی این سازمان مشغول به کار بود و در سال ۱۳۷۵، بعد از ۲۰ سال کار مداوم در آنجا بازنشسته شد. نخستین کار جدی اعلم، ترجمه نقدی درباره «فرانتس کافکا»، داستان سرای چک، بود که با نام «سنجش هنر و اندیشه فرانتس کافکا» در سال ۱۳۵۱ وارد بازار نشر شد و نام او را برای اولین‌بار به‌عنوان مترجمی جدی در عرصه ادبیات چک، مطرح کرد. از برخی از ترجمه‌های او می‌توان به آثار ذیل اشاره کرد: «سنجش هنرو اندیشه فرانتس کافکا» والتزکل، «سنجش هنر و اندیشه فیودو و استانسکی» ارنست سیمونز، «تپوح» ژان پل سارتر، «بیکانه» آلبر کامو، «محاکمه»، فرانتس کافکا، «قصر» فرانتس کافکا، «تحلیلی نویسن از آزادی» موریس کرفستون، «فیلسوفان انگلیسی از هابز تا هیوم» فردریک کاپلستون، «درآمدی به فلسفه» جان هرمن زندل و جاستوس بالکر، «جامعه باز و دشمنان آن» کارل ریموند پوپر، «تصحیح و تحشیه سیر حکمت در اروپا»، «فیلسوفان یونان و روم» و «فیلم‌نامه ماجرای نیروز» تا راتیتوو.

### راهنمای فرهنگی

<b>سینما</b>	
<b>نام فیلم</b>	<b>سینماهای‌نمایش‌دهنده</b>
<b>برادرم خسرو</b>	کورش، آزادی، مکامال، ملت، چارسو، زندگی، اریکه ایرانیان، جوان، ایران، موزه سینما، ارگ، سروش، شکوفه، تماشای فلسطین، کیان، سمرقند
<b>تهنگ‌عنبر ۲</b>	کورش، آزادی، مکامال، ملت، چارسو، فرهنگ، زندگی، اریکه ایرانیان، جوان، ماندانا، ایران، موزه سینما، ارگ، سروش، راگا
<b>ویلیلی‌ها</b>	کورش، آزادی، مکامال، ملت، چارسو، فرهنگ، زندگی، اریکه ایرانیان، جوان، ماندانا، ایران، موزه سینما، ارگ، سروش
<b>تیک‌آف</b>	کورش، آزادی، مکامال، ملت، چارسو، زندگی، اریکه ایرانیان، جوان، موزه سینما، ارگ، راگا، تماشای شاهد
<b>نقطه‌کور</b>	کورش، آزادی، ملت، چارسو، جوان، سمرقند

<b>نام نمایش</b>	<b>تاری</b>	<b>ساعت</b>
<b>بندار بیدخش</b>	ارغنون	۱۷
<b>چل‌گیس</b>	چهارسو	۲۱
<b>روح جهنمی</b>	سلیه	۱۸
<b>بی‌پدر</b>	قشقلبی	۲۰
<b>سراسرپز پیشینه‌های‌می‌کند</b>	سنکاج	۱۹:۳۰
<b>مطرب</b>	سمندریان	۱۹:۳۰
<b>دیگری</b>	سمندریان	۲۱:۴۵
<b>مروارید</b>	ناظرز ادمگرمانی	۱۹:۳۰
<b>نمایشده‌ملت</b>	ناظرز ادمگرمانی	۲۱:۳۰
<b>کافه‌هر</b>	پلینخت	۱۹
<b>در میان ابرها</b>	مستقل	۱۹:۳۰
<b>شنیدن</b>	مستقل	۲۱
<b>هدیه‌مرویز</b>	پردیس‌تهران	۱۸:۳۰
<b>رقه‌بچرخه، بر می‌گرده</b>	پردیس‌تئاتر	۲۰
<b>رقص روی لیوانها</b>	انتقلمی	۱۸:۳۰
<b>گالری</b>		
<b>نام‌نگارخانه</b>	<b>عنوان‌نمایشگاه</b>	
<b>مسن</b>	پوست، گوشت، استخوان	
<b>بهنام‌دهش‌پور</b>	نمایشگاه‌گروهی‌نقاشی	
<b>مژده</b>	پیشگامان‌عصر‌نو	
<b>برج آزادی</b>	حماسه‌فرخنده‌شهر	
<b>خانه‌هنرمندان</b>	اسما‌الحسنی	

شهر کتاب، شب‌های رمضان بیدار است